

سوژه‌های سخن

حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی *

اشاره

فرصت سی روزه ماه مبارک رمضان، برای ارائه مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی، تربیتی و اجتماعی اسلام، مُعْتَمَد است. تنوع مباحث و کاربردی بودن موضوعات، از عوامل جاذبه‌آفرین برای تبلیغات دینی است؛ تا مستمعان با شنیدن یک بحث سنگین و طولانی، خسته نشوند و هر جلسه، در فضای تازه‌ای از معارف دین قرار بگیرند.

در این مقاله، سی موضوع و سوژه سخن مطرح می‌شود که مبلغان گرامی می‌توانند از آنها در کنار مباحث خود استفاده کنند. هر یک از این مباحث را به تناسب زمان جلسه، کشش مخاطبان، آمادگی ذهنی مبلغ و محل جلسه، هم می‌توان در ده دقیقه مطرح کرد، هم در یک ساعت؛ یعنی به صلاح دید گوینده و تناسب موضوع و مخاطب بستگی دارد.

گفتنی است که در این سوژه‌ها، موضوعات کلیدی عنوان شده و اشاره‌ای به محورهای بحث شده و خلاصه‌ای از آیات و روایات نیز بیان گردیده است. تفصیل و تبیین یا اجمال و فشرده‌گویی

* محقق و نویسنده.

سخن، به سخنران محترم وابسته است. بدیهی است که مبلغ می‌تواند از معلومات قبلی و اطلاعات شخصی خود هم به این مباحث بیفزاید. در ضمن، باید بنا را بر اختصار گذاشت و از طولانی شدن بحث و جلسه که ملال‌آور است، پرهیز کرد؛ مگر آنکه مستمعان خواهان تفصیل باشند یا جلسه کشش بحث طولانی را داشته باشد.

به منظور اختصار بیشتر مقاله، از ارائه ترجمه آیات و روایات صرف نظر شده است.

سوژه‌های سی‌گانه سخن

۱. غنیمت‌شمردن فرصت‌های معنوی

ماه رمضان، فرصتی معنوی برای خودسازی و تهذیب نفس و انجام کارهای نیک است. در تعالیم دینی، درباره بهره‌گیری از فرصت‌ها، غنیمت‌شمردن عمر، افسوس و حسرت بر عمر اذ دست‌رفته، عبرت‌گرفتن از خسران‌زدگان و موقّنان، ذخیره‌سازی عمل صالح برای آخرت و فرصت جوانی برای تربیت نفس، مطالب بسیاری وجود دارد که می‌تواند از محورهای این موضوع قرار گیرد. آرزوی انسان‌ها در قیامت برای بازگشت به دنیا و عمل صالح نیز در قرآن مکرر آمده است.

آیات:

۱. «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نَعْمَرْكُمْ مَا يُتَذَكَّرُ فِيهِ مِنْ تَذَكَّرٍ.»^۱

۲. «اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ.»^۲

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ.»^۳

۲. امام علی علیه السلام: «فَاعْمَلُوا وَالْعَمَلُ يُرْفَعُ وَالتَّوْبَةُ تَنْفَعُ وَالدُّعَاءُ يُسْمَعُ.»^۴

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ فَتِحَ لَهُ بَابٌ مِنَ الْخَيْرِ فَلْيَنْتَهِزْهُ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَتَى يُعْلَقُ عَلَيْهِ (عنه).»^۵

۱. فاطر، آیه ۳۷.

۲. شوری، آیه ۴۷.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۱.

۴. همان، خطبه ۲۳۰.

۵. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۱۵۷۹۶.

برگ عیشی به گور خویش فرست

کس نیارد زپس، تو پیش فرست^۱

۲. آثار و فواید روزه

روزه، آثار و فواید جسمی و روحی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی دارد. درباره فلسفه روزه به نکات بسیاری می‌توان اشاره کرد؛ از جمله: کنترل و مهار هوای نفس، تعدیل غریزه شهوت، چشیدن طعم گرسنگی و محرومیت، به یاد گرسنگی و تشنگی قیامت افتادن، تمرین برای تقویت اراده، تحصیل ملکه تقوا، سلامتی و تندرستی جسم، برنامه‌ریزی جدید غذایی، پیدایش صفای روحی و خشوع قلبی.

نقش روزه در سلامتی بدن و تنظیم سوخت‌وساز دستگاه گوارش و پرهیز از پرخوری، بسیار است. امروز یکی از شیوه‌های مهم درمان امراض، برنامه امساک غذایی (روزه‌درمانی) است. ریشه بسیاری از بیماری‌ها، پرخوری و بدخوری است و از اساسی‌ترین راه‌های درمان، پرهیز و کم‌خوری و امساک است.

آیات:

۱. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.»^۲

۲. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ... فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ.»^۳

روایات:

۱. پیامبر خدا ﷺ: «لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَزَكَاةُ الْإِنْسَانِ الصِّيَامُ.»^۴

۲. پیامبر خدا ﷺ: «صُومُوا تَصِحُّوا.»^۵

۳. امام حسین عليه السلام: «لِيَجِدَ الْغَنِيُّ مَسَّ الْجُوعِ فَيَعُودَ بِالْفَضْلِ عَلَى الْمَسَاكِينِ.»^۶

۴. امام صادق عليه السلام: «إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصَرُكَ وَشَعْرُكَ وَجِلْدُكَ.»^۷

۱. سعدی شیرازی.

۲. بقره، آیه ۱۸۳.

۳. بقره، آیه ۱۸۵.

۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۲۶.

۵. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۱۰۹۲۷.

۶. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۷۵.

۷. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۸۷.

۳. ترک گناه

مهم‌ترین طاعت، ترک گناه و معصیت است. از آنجا که نفس اماره و شیطان، به گناه دعوت می‌کند، ترک گناه، جهاد بزرگ به شمار می‌رود. برترین تقوا، ترک گناه است و همین عامل، انسان را به قرب خدا و بندگی کامل می‌رساند.

محورهای این بحث، عبارت‌اند از:

- گناهان، نتیجه تبعیت از هوای نفس؛

- معصومین علیهم‌السلام به جهت آگاهی از زشتی و آثار بد گناه، معصیت نمی‌کنند؛

- گنهکاران، دنباله‌روان ابلیس‌اند که عصیان کرد و سجده نمود؛

- آثار فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی گناه؛

- راه‌های ترک گناه و تقویت اراده برای مخالفت با نفس اماره.

آیات:

۱. «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ.»^۱

۲. «إِنَّ تَجَنُّبُوا كَبَائِرَ مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ نُكْفَرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلُكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا.»^۲

روایات:

۱. امام علی علیه‌السلام: «عَجِبْتُ لِأَقْوَامٍ يَحْتَمُونَ الطَّعَامَ مَخَافَةَ الْأَذَى كَيْفَ لَا يَحْتَمُونَ الذُّنُوبَ مَخَافَةَ النَّارِ.»^۳

۲. امام علی علیه‌السلام: «اجْتَنَابُ السَّيِّئَاتِ أَوْلَىٰ مِنْ اِكْتِسَابِ الْحَسَنَاتِ.»^۴

۳. امام علی علیه‌السلام: «اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ.»^۵

۴. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «لَا تَنْظُرُوا إِلَىٰ صِغَرِ الذَّنْبِ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَىٰ مَنِ اجْتَرَأْتُمْ.»^۶

۱. نازعات، آیه ۴۰.

۲. نساء، آیه ۳۱.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۰۴.

۴. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۱۵۲۲.

۵. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۷۰.

۶. همان، ج ۷۴، ص ۱۶۸.

۴. انس با قرآن

قرآن، منشور آسمانی اسلام و برنامه عملی مسلمانان و معجزه جاوید پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. یک مسلمان باید پیوسته آن را بخواند، بفهمد و به آن عمل کند و در یک کلمه، انس و همدمی با قرآن داشته باشد و به عنوان یک کتاب، پیوسته در آن نظر و تدبّر کند تا از معارفش بهره گیرد.

در این موضوع، محورهای زیر را می‌توان بحث کرد:

- تأکید آیات و روایات بر تلاوت قرآن و ثواب آن؛

- اکتفانکردن به فرائت صرف؛ بلکه تأمل و تدبّر در آیات الهی؛

- عمل به قرآن؛ نه فقط خواندن و ختم قرآن کردن؛

- نورانیت قلبی حاصل از انس مداوم با کلام‌الله؛

- شکایت قرآن در قیامت از آنان که قرآن را مهجور و متروک ساخته‌اند.

آیات:

۱. «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا.»^۱

۲. «فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ.»^۲

۳. «وَأْمُرْتَ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ * وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ.»^۳

روایات:

۱. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْقُرْآنَ عَهْدُ اللَّهِ إِلَيَّ خَلَقَهُ فَقَدْ يَتَّبِعِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً.»^۴

۲. پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ قِرَاءَتَهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ وَسِتْرٌ فِي النَّارِ وَأَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ.»^۵

۳. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَفِ عِنْدَ وَعْدِهِ وَوَعِيدِهِ وَتَمَكَّرَ فِي أَمْثَالِهِ وَمَوَاعِظِهِ.»^۶

۱. فرقان، آیه ۳۰.

۲. مزمل، آیه ۲۰.

۳. نمل، آیات ۹۱ و ۹۲.

۴. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۴۹.

۵. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۷.

۶. همان، ج ۸۲، ص ۴۳.

۴. امام علی علیه السلام: «أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَفْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا.»^۱

قرآن، حیات روشن دل‌هاست
قرآن، فروغ و شمع محفل‌هاست
دل از فروغش نور می‌گیرد
جان از پیامش شور می‌گیرد^۲

۵. امتحان الهی

تنها ادعای داشتن ایمان و عمل صالح، کافی نیست؛ بلکه باید امتحان پس داد تا صدق ادعای ثابت شود. امتحانات الهی با مسائل مختلف برای معلوم‌شدن صدق و کذب افراد در ادعای ایمان و بندگی است. البته این موضوع برای خداوند معلوم است؛ امتحان برای روشن‌شدن مسئله برای خود انسان و دیگران است.

محورهای این بحث، عبارت‌اند از:

- نقش امتحان در نشان‌دادن جوهره اشخاص؛

- سنت همیشگی و همگانی خدا در امتحان بندگان؛

- امتحان‌شدن با فقر و غنا، زشتی و زیبایی، رفاه و سختی، صحت و بیماری، و ازدست‌دادن عزیزان و اموال؛

- نمونه‌هایی از امتحانات الهی در قوم بنی‌اسرائیل، مسلمانان صدر اسلام و عصر حاضر؛

- امتحان الهی و جبهه‌های جنگ با مفسدات اجتماعی یا وسایل و عوامل گناه؛

- شیطان و هوای نفس، دو وسیله برای امتحان انسان.

آیات:

۱. «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ

اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ.»^۳

۲. «وَلَنَبْذُلَنَّكُمْ بَشِيرًا مِمَّنِ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ

الصَّابِرِينَ.»^۴

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۲. جواد محدثی، برگ و بار، ص ۲۳۷.

۳. عنکبوت، آیات ۱ و ۲.

۴. بقره، آیه ۱۵۵.

۳. «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا.»^۱

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «عِنْدَ الْإِمْتِحَانِ يُكْرَمُ الرَّجُلُ أَوْ يَهَانُ.»^۲

۲. امام علی علیه السلام: «لِكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَيَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ وَيَتَبَلَّيْهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ.»^۳

۳. امام علی علیه السلام: «أَنَّهُ [سُبْحَانَهُ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ] يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ لِيَتَبَيَّنَ السَّاحِطُ لِرِزْقِهِ وَالرَّاضِي بِقِسْمِهِ.»^۴

۴. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الْأُمَمُ فَالْأُمَّلُ.»^۵

خوش بود گر محک تجربه آید به میان
تاسیه روی شود هرکه در او غش باشد

۶. نماز جمعه و جماعت

بعد اجتماعی اسلام، از احکام جمعی دین فهمیده می‌شود. تأکید بر حضور در نماز جمعه و جماعت و ثواب آن، گواه این مطلب است. این حضور، آثار و برکات فراوانی دارد و مسلمانان را وحدت و قدرت می‌بخشد. پس، باید بر این مسئله تأکید و توجه بسیاری داشت.

محورهای این بحث، عبارت‌اند از:

- اسلام، دین اجتماعی است؛ نه فردی. برخی احکام اجتماعی، مانند: نماز جماعت، جمعه،

فطر و حج؛

- اجتماع روزانه (نماز جماعت)، اجتماع هفتگی (نماز جمعه)، اجتماع سالانه (نماز عید فطر و

قربان)؛

- همبستگی مسلمانان و باخبر بودن از حال یکدیگر، خنثاکننده توطئه‌های تفرقه‌افکنانه؛

- سوره جمعه و تأکید بر حضور در نماز جمعه.

۱. ملک، آیه ۲.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ج ۶، ۶۲۰۶.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۴. همان، حکمت ۹۳.

۵. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۵۲.

آیات:

۱. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ.»^۱

روایات:

۱. امام صادق علیه السلام: «الصَّلَاةُ فِي جَمَاعَةٍ تَفْضُلُ عَلَىٰ كُلِّ صَلَاةٍ الْفَرْدِ بِأَرْبَعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً.»^۲

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُصَلِّ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ.»^۳

۳. امام علی علیه السلام: «مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثًا مُتَتَابِعَةً لِعِغْرِ عِلَّةٍ كُتِبَ مُتَافِقًا.»^۴

۷. یاد خدا

یاد خدا، چه با زبان و چه در دل، نشانه یاد نعمت‌های اوست که هم بازدارنده از گناه است و دل را صفا می‌بخشد و آرامش می‌آورد و بر تحمّل انسان در برابر سختی‌ها و مصیبت‌ها می‌افزاید و سبب می‌شود که خدا هم انسان را یاد کند و در حقّ او لطف نماید.

محورهای این بحث، عبارت‌اند از:

- ذکر خدا به زبان، به قلب و در صحنه‌های مختلف زندگی؛

- یاد خدا در خوشی‌ها و نعمت‌ها، در سختی‌ها و گرفتاری‌ها، و در مواقع پیش آمدن گناه؛

- اثر آرام‌بخش یاد خدا، نماز و عبادت، به عنوان جلوه‌ای از ذکر خدا؛

- غفلت از خدا، زمینه‌ساز گناهان و ناسپاسی‌ها.

آیات:

۱. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.»^۵

۲. «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ.»^۶

۳. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا.»^۷

۱. جمعه، آیه ۹.

۲. شیخ طوسی، التهذیب، ج ۳، ص ۲۵.

۳. شیخ صدوق، علل الشرائع، ص ۳۲۵.

۴. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۱۰۷۷۷.

۵. رعد، آیه ۲۸.

۶. بقره، آیه ۱۵۲.

۷. طه، آیه ۱۲۴.

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «ذَكَرَ اللَّهُ رَأْسَ مَالِ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَرِيحُهُ السَّلَامَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ.»^۱
۲. امام باقر علیه السلام: «لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ فِي صَلَاةٍ مَا كَانَ فِي ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَائِمًا كَانَ أَوْ جَالِسًا أَوْ مُضْطَجِعًا.»^۲
۳. امام علی علیه السلام: «مَنْ عَمَرَ قَلْبَهُ بِدَوَامِ الذِّكْرِ حَسُنَتْ أَعْمَالُهُ فِي السِّرِّ وَالْجَهْرِ.»^۳
۴. امام علی علیه السلام: «الذِّكْرُ ذِكْرَانِ ذِكْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ ذِكْرُ اللَّهِ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ فَيَكُونُ ذَلِكَ حَاجِرًا.»^۴

پرتویاد خدا گر دهد آرامش دل بگذرد عمر تو در سایه آرامش دل
هست تنها به خداوند قسم یاد خدای مایه راحت و آرامش و آسایش دل^۵

۸. قناعت

قناعت، نقطه مقابل حرص و طمع و زیاده‌خواهی است. افراد قانع، آسوده‌ترند و از زندگی بیشتر لذت می‌برند. در روایات، از قناعت به عنوان سرمایه بی‌پایان یاد شده است. قناعت، راهی برای مقابله با کمبودهاست.

محورهای این بحث، عبارت‌اند از:

- اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با قناعت؛
- وابستگی‌های اقتصادی در اثر نداشتن قناعت به داشته‌ها و تولیدات ملی؛
- رنج درونی افراد حریص و زیاده‌خواه؛
- قناعت، سرمایه‌ای است که ثمره‌اش عزت نفس، آزادگی و عدم وابستگی است.

آیات:

۱. «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ.»^۶

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۵۱۷۱.

۲. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۶۳۸۲.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۸۸۷۲.

۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۸۶.

۵. بهجتی شفق.

۶. حجر، آیه ۸۸.

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «بِالْقَنَاعَةِ يَكُونُ الْعِزُّ»^۱
 ۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ الْقَانِعُ وَشَرُّهُمْ الطَّامِعُ»^۲
 ۳. حدیث قدسی: «وَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ»^۳
 ۴. امام باقر علیه السلام: «مَنْ قَنِعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ»^۴
- آبی است آبرو که نیاید به جوی باز از تشنگی بمیر و مریز آبروی خویش^۵

۹. احسان

از نشانه‌های نوع دوستی و اخلاق اسلامی، احسان و نیکی به دیگران و خدمت‌رسانی به مردم است.

شکل‌های گوناگون احسان، به شرح ذیل است:

- نیکی و کمک به مردم، هنگام نیاز و گرفتاری؛

- خدمت به پدر و مادر، بستگان و یتیمان؛

- انفاق مالی، صدقه، اطعام، دادن جا و لباس و کمک عملی.

ستایش خداوند از محسنین، ماندگاری نام نیکوکاران در تاریخ، احسان نشانه زنده‌بودن حس

انسانی، شکرانه توانمندی و برخورداری از نعمت الهی، اجر اخروی و آثار دنیوی احسان، از

جمله محورهای بحث از احسان است.

آیات:

۱. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ.»^۶

۲. «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ.»^۷

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۴۲۴۴.

۲. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۱۷۱۴۲.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۵۳.

۴. همان، ص ۱۳۹.

۵. صائب تبریزی.

۶. نحل، آیه ۹۰.

۷. نحل، آیه ۱۲۸.

۳. «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.»^۱

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «نِعْمَ زَادُ الْمَعَادِ الْإِحْسَانُ إِلَى الْعِبَادِ.»^۲
۲. امام علی علیه السلام: «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ اسْتَدَامَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ.»^۳
۳. امام علی علیه السلام: «الْمُحْسِنُ حَيٌّ وَإِنْ نُقِلَ إِلَى مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ.»^۴
۴. امام علی علیه السلام: «تَمَامُ الْإِحْسَانِ تَرْكُ الْمَنِّ بِهِ.»^۵

تونیکمی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

۱۰. صلہ رحم

سرکشی به خویشاوندان و احوال‌پرسی از آنان و کمک و رفع نیازشان، از بافضیلت‌ترین کارهاست و مورد توصیه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است. صلہ رحم، محبت‌ها را می‌افزاید، مشکلات خانواده‌ها را می‌کاهد و روابط خانوادگی را مستحکم می‌سازد. پس، نباید به بهانه‌های مختلف، از جمله گرفتاری و مشکلات روزمره، آن را به فراموش سپرد.

محورهای بحث صلہ رحم، به این شرح است:

- اسلام، دین پیوند و همبستگی و مهرورزی و عاطفه است؛
- تأکید فراوان اولیای دین به صلہ رحم و پیشتازی خود آنان در این مسئله؛
- آثار دنیوی و اخروی صلہ رحم و ثواب آن و افزایش عمر انسان؛
- کاهش صلہ رحم و روابط خانوادگی، به عنوان یکی از آسیب‌های دنیای معاصر؛
- تلفن، تلگرام و فضای مجازی، جای ارتباط چهره‌به‌چهره را نمی‌گیرد.

آیات:

۱. «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ.»^۶

۱. بقره، آیه ۱۹۵.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۹۹۱۲.

۳. همان، ح ۸۷۱۵.

۴. همان، ح ۱۵۲۱.

۵. همان، ح ۴۴۸۳.

۶. رعد، آیه ۲۱.

۲. «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»^۱

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «صِلَّةُ الرَّحِمِ تُوجِبُ الْمَحَبَّةَ»^۲
۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَلَوْ بِالسَّلَامِ»^۳
۳. امام باقر علیه السلام: «صِلَّةُ الْأَرْحَامِ تُرَكِّي الْأَعْمَالَ وَتُنْمِي الْأَمْوَالَ وَتَدْفَعُ الْبُلْسُورَ وَتُيسِّرُ الْحِسَابَ وَتُنْسِي فِي الْأَجَلِ»^۴
۴. امام علی علیه السلام: «صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَإِنْ قَطَعُوكُمْ [الْحَبْرَ]»^۵

۱۱. یاد مرگ

انسان، همیشه به اسبابی نیازمند است که او را از غفلت بیرون سازد و مسئولیت‌ها را به یادش آورد. یاد مرگ، چنین نقشی دارد. مرگ، انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر است و انسان‌ها در آن مرحله، پاداش و کیفر خوبی‌ها و بدی‌های خود را می‌بینند.

در این موضوع، این بحث‌ها قابل ارائه است:

- حتمیت مرگ برای همه و نداشتن استثنا برای هیچ‌کس؛
- مرگ، انتقال از دنیا به عالم برزخ، سپس به مرحله قیامت؛
- نقش عبرت‌آموز و بیدارگر مرگ و تأثیر یاد مرگ برای انسان‌های غافل؛
- توجه‌دادن به مبدأ و معاد، در تعالیم همه پیامبران الهی؛
- حیات اصلی و ابدی، پس از مرگ است. ضروری است که برای آن مرحله آماده باشیم.

آیات:

۱. «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۶

۱. رعد، آیه ۲۵.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۵۸۵۲.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۷.

۴. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۰.

۵. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۹۲.

۶. آل عمران، آیه ۱۸۵.

۲. «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ.»^۱

۳. «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ.»^۲

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ قَلَّتْ فِي الدُّنْيَا رَغْبَتُهُ.»^۳

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «أَفْضَلُ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا ذِكْرُ الْمَوْتِ.»^۴

۳. امام علی علیه السلام: «أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ وَيَوْمَ حُرُوجِكُمْ مِنَ الْقُبُورِ وَقِيَامِكُمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.»^۵

۴. امام علی علیه السلام: «إِنْ أَمْرًا لَا تَعْلَمُ مَتَى يَفْجَأُكَ يَنْبَغِي أَنْ تَسْتَعِدَّ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَعْشَاكَ.»^۶

گرگ اجل یکایک از این گله می‌برد این گله را بسین که چه آسوده می‌چرد

۱۲. عفو و گذشت

عفو، خصلتی خدایی است که از روح بلند و همت والا سرچشمه می‌گیرد و از عوامل زداینده کینه و جلب محبت و تحکیم روابط اجتماعی و خانوادگی است. یکی از نام‌های خداوند نیز «عفو» است. کنارگذاشتن کینه و انتقام‌جویی، برای خود انسان هم آرامش روحی می‌آورد.

از مباحث این موضوع می‌توان چنین یاد کرد:

- عفو، نشانه بزرگی روح (عفو، از بزرگان است)؛

- نقش عفو و گذشت در صمیمیت‌آفرینی و اصلاح میان افراد؛

- توبه، مصداقی روشن از عفو و گذشت الهی؛

- گذشت در مسائل خانوادگی و میان دو همسر؛

- ارزش عفو از موضع قدرت؛

- عفو پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم مکه، عفو یوسف از برادران، عفو خدا نسبت به متخلفان از جنگ تبوک.

۱. سجده، آیه ۱۱.

۲. نساء، آیه ۷۸.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۸۷۶۴.

۴. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۱۹۱۴۱.

۵. شیخ صدوق، خصال، ص ۶۱۶.

۶. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۳۴۶۸.

آیات:

۱. «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ.»^۱
۲. «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى.»^۲
۳. «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ.»^۳
۴. «وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ.»^۴

روایات:

۱. امام حسین علیه السلام: «إِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَنْ قُدْرَةٍ.»^۵
 ۲. امام علی علیه السلام: «عِنْدَ كَمَالِ الْقُدْرَةِ تَطَهَّرَ فَضِيلَةُ الْعَفْوِ.»^۶
 ۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «الْعَفْوُ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَأَعْفُوا يُعَزِّكُمْ اللَّهُ.»^۷
 ۴. امام علی علیه السلام: «قِلَّةُ الْعَفْوِ أَفْبَحُ الْعُيُوبِ وَالتَّسْرِعُ إِلَى الْإِنْتِقَامِ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ.»^۸
- ما از گناه خصم تجاوز کنیم، از آنک در عفو لذتی است که در انتقام نیست

۱۳. شکر نعمت

شکرگزاری از نعمت‌های الهی، نشانه معرفت و محبت به خدا و قدردانی از اوست. خداوند، بندگان شکور را دوست می‌دارد و بر نعمتشان می‌افزاید. شکر، سبب افزایش و ادامه نعمت می‌گردد و قدردانی نکردن از نعمت‌ها، سبب زوال آن می‌شود.

درباره شکر، این محورها قابل بحث است:

– شناخت نعمت‌ها و یادکردن آنها، مقدمه شکر؛

– نعمت‌های ظاهری و باطنی، مادی و معنوی، کوچک و بزرگ؛

۱. شوری، آیه ۴۰.

۲. بقره، آیه ۲۳۷.

۳. نور، آیه ۲۲.

۴. آل عمران، آیه ۱۳۴.

۵. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۱۳۲۱۰.

۶. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۶۲۱۵.

۷. علی متقی هندی، کنز العمال، ح ۷۰۱۲.

۸. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۱۶۴۰.

- همه نعمت‌ها از خداست. پس، شناخت ولی نعمت، اصلی لازم است؛
 - شکر لفظی و شکر عملی نسبت به نعمت‌ها؛
 - واژه‌های: شکر، حمد، ثنا و کاربرد آنها در متون دینی؛
 - شکر نسبت به خدا، شکر و سپاس از مردم، شکر از اولیای دین؛
- آیات:

۱. «مَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّيَ غَنِيٌّ كَرِيمٌ»^۱
۲. «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ»^۲
۳. «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^۳

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «شُكْرُ الْمُؤْمِنِ يَطْهَرُ فِي عَمَلِهِ وَشُكْرُ الْمُتَنَافِقِ لَا يَتَجَاوَزُ لِسَانَهُ»^۴
۲. امام صادق علیه السلام: «شُكْرُ النَّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ»^۵
۳. امام باقر علیه السلام: «لَا يَنْقَطِعُ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ عَلَى الْعِبَادِ»^۶
۴. امام سجاد علیه السلام: «أَشْكُرُكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرُكُمْ لِلنَّاسِ»^۷

شکر نعمت، نعمت افزون کند کفر نعمت، از کفایت بیرون کند

۱۴. توبه و استغفار

توبه، دری گشوده به روی انسان برای اصلاح نفس و جبران گذشته و فرصتی برای برخورداری از رحمت الهی است. در ماه رمضان، در سحرها، در شب‌های قدر و در نماز شب، بهترین فرصت برای توبه فراهم است.

مباحث مرتبط به توبه و استغفار، عبارت‌ند از:

-
۱. نمل، آیه ۴۰.
 ۲. بقره، آیه ۱۵۲.
 ۳. ابراهیم، آیه ۷.
 ۴. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۵۶۶۱.
 ۵. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۹۵.
 ۶. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۹۵۹۵.
 ۷. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۹۹.

- معنای حقیقی توبه و استغفار و حقیقت توبه و جایگاه پشیمانی واقعی؛
- توبه انسان به سوی خدا و توبه خدا به سوی انسان؛
- توبه‌های مقبول و توبه‌هایی که پذیرفته نمی‌شود؛
- توبه در حق الناس و ادای حقوق مردم و راضی ساختن آنان؛
- توبه و عمل صالح در آیات متعدد قرآن؛
- گناه بودن یأس از رحمت الهی؛
- شتاب در توبه و تأخیر نینداختن آن.

آیات:

۱. «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.»^۱
۲. «وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَصَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ.»^۲
۳. «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ.»^۳

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «النَّدَمُ عَلَى الْخَطِيئَةِ اسْتِغْفَارٌ.»^۴
 ۲. امام رضا علیه السلام: «مَنْ اسْتَغْفَرَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَنْدَمْ بِقَلْبِهِ فَقَدْ اسْتَهْرَأَ بِنَفْسِهِ.»^۵
 ۳. امام علی علیه السلام: «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَابْرَءُوا يَرْجِي التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ.»^۶
 ۴. امام جواد علیه السلام: «تَأْخِيرُ التَّوْبَةِ اغْتِرَازٌ وَطُولُ التَّسْوِيفِ حَيْرَةٌ.»^۷
- چند گویی که به پیری رسم و توبه کنم چه کنی گر به جوانی به لحد درمانی

۱۵. نشانه‌های اخلاص

اخلاص، خمیرمایه اصلی ارزش کارها و قبولی در پیشگاه خداوند و ماندگاری آثار اعمال در

۱. زمر، آیه ۵۳.

۲. نساء، آیه ۱۸.

۳. شوری، آیه ۲۵۱.

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۱۸.

۵. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۵۶.

۶. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰.

۷. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۵۶.

جامعه و تاریخ است. اخلاص، کمیاب است؛ ولی ارزشمند. کارهای ریایی، ارزش و بقا ندارد. تلاش برای کسب اخلاص، بسیار مهم است و مخلصان نزد خداوند، قرب و منزلتی والا دارند.

محورهای بحث، عبارت است از:

- معنای اخلاص و ریا و نشانه‌های اخلاص در عمل؛

- آثار و نتایج اعمال خالص و بدون ریا و تظاهر؛

- راه‌های دستیابی به اخلاص و دوری از ریا؛

- چهره‌هایی از مخلصان در تاریخ؛

- علی علیه السلام مظهر اخلاص و عمل و عبادت؛ ماجرای نبرد آن حضرت در جنگ خندق، اطعام به مسکین و یتیم و اسیر و نزول سوره «هل ائی».

آیات:

۱. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.»^۱

۲. «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ.»^۲

۳. «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا.»^۳

روایات:

۱. امام صادق علیه السلام: «الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.»^۴

۲. امام علی علیه السلام: «مَنْ لَمْ يَخْتَلِفْ سِرَّهُ وَعَلَانِيَتَهُ وَفَعَلَهُ وَمَقَالَتَهُ فَقَدْ آدَى الْأَمَانَةَ وَأَخْلَصَ الْعِبَادَةَ.»^۵

۳. امام علی علیه السلام: «الْعِبَادَةُ الْخَالِصَةُ أَنْ لَا يَرِجُو الرَّجُلُ إِلَّا رَبَّهُ وَلَا يَخَافُ إِلَّا ذَنْبَهُ.»^۶

از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزه از دغل^۷

۱. حمد، آیه ۵.

۲. عنکبوت، آیه ۶۵.

۳. دهر، آیه ۹.

۴. فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۸، ص ۲۸.

۵. نهج البلاغه، نامه ۲۶.

۶. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۲۱۲۸.

۷. مولوی.

۱۶. اعتدال

میان‌روی و پرهیز از افراط و تفریط، در هر مسئله‌ای مطلوب است و نشانه عقلانیت و پختگی است. افراط در محبت اهل بیت علیهم‌السلام نیز به غلو می‌انجامد که انحراف است. اعتدال، توصیه قرآن و معصومان علیهم‌السلام است.

برخی از محورهای این بحث، به شرح ذیل است:

- اعتدال در مصرف، خوردن و پوشیدن؛
- اعتدال در عبادت و پرهیز از تحمیل عبادت به خویش؛
- اعتدال در اموال؛ حدّ وسط اسراف و بخل؛
- راه درست و حق، راه وسط و دوری از چپ و راست است؛
- اعتدال در: خنده و تفریح، خرج، دوستی و محبت، خواب و بیداری، حرف‌زدن و سکوت کردن.

آیات:

۱. «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا.»^۱
۲. «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا.»^۲
۳. «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا.»^۳

روایات:

۱. امام علی علیه‌السلام: «لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا.»^۴
۲. امام علی علیه‌السلام: «كُنْ سَمْحًا وَلَا تَكُنْ مُبَدِّرًا وَكُنْ مُقَدِّرًا وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًا.»^۵
۳. امام علی علیه‌السلام: «الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَىٰ هِيَ الْجَادَّةُ.»^۶
۴. امام علی علیه‌السلام: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالًَا وَإِدْبَارًا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا»

۱. اسراء، آیه ۲۹.

۲. قصص، آیه ۷۷.

۳. اعراف، آیه ۳۱.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۷۰.

۵. همان، حکمت ۳۳.

۶. همان، خطبه ۱۶.

بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ.»^۱

نه چندان بخور کز دهانت برآید نه چندان که از ضعف، جانت برآید^۲

۱۷. حقوق برادران دینی

مسلمانان در برابر یکدیگر مسئول‌اند و نسبت به هم وظایفی دارند. وظیفه‌ها نسبت به حقوقی است که افراد بر گردن هم دارند. غیر از حقوقی که دو همسایه، دو شریک، دو همکار یا دو همسر نسبت به هم دارند، دو مسلمان نیز بر عهده یکدیگر حقوقی دارند. شناخت این حقوق و عمل به آنها، فضایی از عدالت و سلامت و انصاف پیش می‌آورد.

برخی از محورهای بحث فوق، از این قرار است:

- تأثیر شناختن حقوق و وظایف، در بروز اختلاف‌ها و نزاع‌ها؛

- تنها شناخت حقوق کافی نیست؛ عمل به آنها نیز لازم است؛

- عمل یک‌جانبه کافی نیست؛ بلکه عمل متقابل و دوسویه، مشکلات را حل می‌کند؛

- «عدم رعایت حقوق» و «ادعای مسلمانی و برادری»، با هم ناسازگار است؛

- حقوق مالی، عاطفی، اجتماعی و دینی افراد نسبت به هم؛

- رساله‌الْحَقُوقِ امام سجاد علیه السلام و بیان این حقوق.

روایات:

۱. امام صادق علیه السلام: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يَشْبَعَ وَيَجُوعَ أَخُوهُ وَلَا يَرَوِيَ وَيَعْطَشُ أَخُوهُ وَلَا يَكْتَسِبِي وَيَعْرِى أَخُوهُ.»^۳

۲. امام علی علیه السلام: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ [عَلَى حُقُوقِهِ] فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًّا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ.»^۴

۳. امام صادق علیه السلام: «أَيْسَرُ مِنْهَا أَنْ تُحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَتَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ.»^۵

۱. همان، حکمت ۳۱۲.

۲. سعدی شیرازی.

۳. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۰.

۴. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۴۷۸۰.

۵. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۳۸.

۴. امام علی علیه السلام: «لَا تُضِيعَنَّ حَقَّ أَخِيكَ اتِّكَالَ عَلَى مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ أَضَعَتْ حَقَّهُ.»^۱

۱۸. قساوت قلب

سنگدلی و قساوت قلب، رحم و خشوع و نوع دوستی و احسان را از آدمی می‌گیرد. انسان‌های قسی القلب دست به جنایت می‌زنند؛ چون از عاطفه محروم‌اند. درباره این موضوع، محورهای زیر قابل بحث است:

- نشانه‌های قساوت قلب و آثار سوء آن؛
- عواملی که قساوت قلب برای انسان می‌آورد؛
- راه‌های دستیابی به رأفت و رحمت و درمان قساوت قلب؛
- دل‌های دارای قساوت، موعظه و هدایت را نمی‌پذیرند.

آیات:

۱. «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً.»^۲

۲. «فَوَيْلٌ لِلنَّاسِ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.»^۳

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «مَا جَمَّتِ الدُّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَمَا قَسَتْ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ.»^۴

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «تَرَكُ الْعِبَادَةِ يُقْسِي الْقَلْبَ.»^۵

۳. امام باقر علیه السلام: «تَعَرَّضَ لِرِقَّةِ الْقَلْبِ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ فِي الْخَلَوَاتِ.»^۶

۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «إِنْ أَرَدْتَ أَنْ يَلِينَنَّ قَلْبُكَ فَأَطْعِمِ الْمَسْكِينِ وَأَمْسَحْ رَأْسَ الْيَتِيمِ.»^۷

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. بقره، آیه ۷۴.

۳. زمر، آیه ۲۲.

۴. شیخ صدوق، علل الشرائع، ص ۸۱.

۵. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۱۷۰۰۵.

۶. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۸۵.

۷. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۱۷۰۴۳.

۱۹. طمع

نفس سیری‌ناپذیر انسان، همواره به مال و دنیا طمع دارد. اگر این طمع کنترل نشود، آدمی به ذلت و حقارت و گناه دچار شده، دامانش به درآمدهای نامشروع و خوردنی‌های حرام آلوده می‌گردد. ریشه‌کن ساختن طمع، از برنامه‌های خودسازی است.

محورهای این موضوع، عبارت‌اند از:

- طمع و حرص در انسان، تمام‌نشده‌نی است. پس، باید مهار شود؛
- طمع بد نسبت به مال و دنیا و قدرت، طمع خوب نسبت به بهشت و غفران الهی و پاداش؛
- طمع، آدمی را برده دنیا می‌سازد؛
- طمع، عقل و دین را به کنار می‌زند. طمع‌کاران دین را هم می‌بازند؛
- انسان‌های طمع‌کار، اسیر دام و گرفتاری می‌شوند؛
- طمع عمر سعد به حکومت ری، او را به کشتن امام حسین علیه السلام کشاند.

آیات:

۱. «ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ.»^۱
۲. «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ.»^۲

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «قَلِيلُ الطَّمَعِ يُفْسِدُ كَثِيرَ الْوَرَعِ.»^۳
۲. امام علی علیه السلام: «الطَّمَعُ رِقٌّ مُؤَبَّدٌ.»^۴
۳. امام علی علیه السلام: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعِيشَ حُرّاً أَيَّامَ حَيَاتِهِ فَلَا يُسْكِنِ الطَّمَعَ قَلْبَهُ.»^۵
۴. امام علی علیه السلام: «تَمَرَةُ الطَّمَعِ ذُلُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»^۶

۲۰. حیا

شرم از گناه و خطا، نشانه بیداری فطرت و تربیت اسلام است. اگر شرم و حیا رخت بر بندد،

۱. مدثر، آیه ۱۵.

۲. عادیات، آیه ۸. در این آیه، «خیر» به معنای «مال» است.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۶۷۲۹.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۱۸۰.

۵. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۱۱۲۱۳.

۶. صائب تبریزی.

زمینه برای هر گناهی فراهم می‌شود. ضرورت تربیت کودکان و نوجوانان بر اساس «فرهنگ حیا» و زشت شمردن بدی‌ها و گناهان، عامل بازدارنده آنان از مفاسد است.

محورهای این بحث، عبارت است از:

- حیا، عامل درونی بازدارنده از گناه و تخلف؛

- حیا از خدا، حیا از پیامبر و امام، حیا از مردم، حیا از فرشتگان که ناظر بر اعمال ما هستند؛

- ترس از رسوایی، عامل بازدارنده.

آیات:

۱. «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى.»^۱

۲. «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»^۲

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «سَبَبُ الْعِفَّةِ الْحَيَاءُ.»^۳

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «لَمْ يَبْقَ مِنْ أَمْثَالِ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا قَوْلُ النَّاسِ إِذَا لَمْ تَسْتَحْيَ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ.»^۴

۳. امام علی علیه السلام: «أَحْسَنُ الْحَيَاءِ اسْتِحْيَاؤُكَ مِنْ نَفْسِكَ.»^۵

۴. امام صادق علیه السلام: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ.»^۶

۲۱. صدق و امانت

مسلمانی، صرفاً به گفتن شهادتین و نماز و روزه نیست. مهم‌ترین شاخص مسلمانی و ایمان،

راستگویی و امانت‌داری است که در روایات بر این دو مسئله بسیار تأکید شده است.

محورهای این موضوع، به این شرح است:

۱. علق، آیه ۱۴.

۲. مجادله، آیه ۷.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۵۵۲۷.

۴. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۶.

۵. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۳۱۱۴.

۶. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

- اعتماد عمومی در جامعه در سایه صداقت و امانت؛
 - دروغ و خلاف، منشأ بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی؛
 - آزمودن ایمان واقعی افراد، با صدق و امانت؛
 - پیامبر خدا ﷺ پیش از بعثت هم در جامعه شرک، به صدق و امانت معروف بود.
- آیات:

۱. «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»^۱

۲. «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^۲

روایات:

۱. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ»^۳
۲. امام علی علیه السلام: «الصِّدْقُ رَأْسُ الْإِيمَانِ، الصِّدْقُ رَأْسُ الدِّينِ»^۴
۳. امام علی علیه السلام: «الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْتِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكُذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ»^۵
۴. امام صادق علیه السلام: «فَإِنَّ عَلِيًّا علیه السلام إِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ بِهِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ»^۶

طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست^۷

۲۲. سوءظن

از عوامل مهم ایجاد دشمنی و سستی رابطه‌ها که به غیبت و بهتان می‌انجامد، بدگمانی است. تا وقتی دلیل خاصی نداریم، نباید به افراد سوءظن داشته باشیم. بدگمانی، انسان را تنها می‌گذارد و اعتماد را از او می‌گیرد.

محورهای این موضوع، عبارت‌اند از:

-
۱. احزاب، آیه ۲۳.
 ۲. مؤمنون، آیه ۸.
 ۳. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۴.
 ۴. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۱۹۹۳ و ۵۱۷.
 ۵. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۸.
 ۶. همان.
 ۷. سعدی شیرازی.

- زشتی و گناه بودن سوءظن و خوبی حُسن ظن به مؤمنان؛
- آثار سوء اجتماعی بدگمانی در محیط کار و نسبت به همسر و فرزندان؛
- سوءظن و نابودی دین و ایمان و دخالت شیطان در این مسئله؛
- نقش زیان بار برخی رسانه‌ها و مطبوعات در ایجاد سوءظن به افراد.

آیات:

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ.»^۱
۲. «الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السُّوءِ.»^۲
۳. «إِنَّ الَّذِينَ جَاؤُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ... لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا.»^۳

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «مَنْ لَمْ يُحْسِنِ ظَنَّهُ اسْتَوْحَشَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ.»^۴
۲. امام علی علیه السلام: «ضَعَّ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَلَا تَتَّظَّنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمَلًا.»^۵
۳. امام علی علیه السلام: «مَنْ سَاءَ ظَنُّهُ سَاءَ وَهْمُهُ مَنْ سَاءَتْ ظُنُونُهُ اعْتَقَدَ الْخِيَانَةَ بِمَنْ لَا يَخُونُهُ.»^۶
۴. امام علی علیه السلام: «الرَّجُلُ السُّوءُ لَا يُظُنُّ بِأَحَدٍ خَيْرًا لِأَنَّهُ لَا يَرَاهُ إِلَّا يَوْصِفُ نَفْسِهِ.»^۷ (کافر همه را به کیش خود پندارد.)

۲۳. تواضع

تکبر، خصلتی شیطانی است و تواضع، شیوه‌ای انبیایی. خداوند برای دوستانش تواضع را می‌پسندد و برنامه‌هایی مثل نماز و سجود و عبادت، نشانه فروتنی است. تواضع در مقابل انبیای

۱. حجرات، آیه ۱۲.

۲. فتح، آیه ۶.

۳. نور، آیه ۱۱.

۴. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۹۰۸۴.

۵. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۲.

۶. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۷۹۶۰ و ۸۸۳۷.

۷. همان، ح ۲۱۷۵.

الهی و احکام دین و نسبت به مؤمنان هم پسندیده است.

چند محور برای این بحث، از قرار ذیل است:

- نمونه‌هایی از تواضع حضرت رسول ﷺ در نشستن و غذا خوردن و سلام‌دادن و عیادت مریض و نوع مرکب و لباس؛

- تواضع، مایه رفعت و عزت است؛

- نشانه‌های تواضع و تکبر، در رفتار و گفتار و برخورد با دیگران.

آیات:

۱. «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا»^۱

۲. «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ»^۲

روایات:

۱. امام حسن عسکری علیه السلام: «التَّوَّاضِعُ نِعْمَةٌ لَا يُحْسَدُ عَلَيْهَا»^۳

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «إِنَّ التَّوَّاضِعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعَكُمُ اللَّهُ»^۴

۳. امام علی علیه السلام: «مَنْ أَتَى غَنِيًّا فَتَوَاضَعَ لَهُ لَغِنَاهُ ذَهَبٌ ثَلَاثًا دِينِهِ»^۵

۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ»^۶

۲۴. کمک به فقرا

حسّ انسان دوستی ایجاب می‌کند که نسبت به فقیران و محرومان بی‌اعتنا نباشیم و از آنچه خدا به ما نعمت داده، به نیازمندان هم انفاق کنیم.

محورهای این موضوع، عبارت‌اند از:

- انسان دوستی، نوع دوستی و احساس ترحّم به نیازمندان؛

- ضرورت عدالت اجتماعی و فقرزدایی از جامعه اسلامی؛

۱. فرقان، آیه ۶۳.

۲. مانده، آیه ۵۴.

۳. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۸۹.

۴. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۱.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۲۲۸.

۶. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۲۱۸۷۵.

- حق محرومان و فقرا در ثروت‌ها و داشته‌های توانگران؛

- اجرای برنامه‌هایی درباره: احسان، انفاق، اطعام و ایثار در راه محرومان جامعه.

آیات:

۱. «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّْا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ.»^۱

۲. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ.»^۲

۳. «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ.»^۳

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْ دُنْيَاهُ إِلَّا مَا أَنْفَقَهُ.»^۴

۲. امام علی علیه السلام: «إِنَّ إِنْفَاقَ هَذَا الْمَالِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَكْبَرُ نِعْمَةٍ وَإِنَّ إِنْفَاقَهُ فِي مَعْصِيَةِ أَكْبَرُ مِحْنَةٍ.»^۵

۳. امام علی علیه السلام: «نِعْمَ زَادَ الْمَعَادِ الْإِحْسَانُ إِلَى الْعِبَادِ.»^۶

۴. امام علی علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى [جَدُّهُ] سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ.»^۷

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن به دمی یا درمی یا قلمی یا قدمی

۲۵. تقوا

تقوا، قدرت مهار نفس و کنترل غرایز و پرهیز از گناهان است. تقوا، از مهم‌ترین مباحث قرآن و

نهج البلاغه است. افراد بی تقوا، به هر گناهی کشیده می‌شوند و بازیچه شیطان قرار می‌گیرند.

محورهای این بحث، به این شرح است:

۱. بقره، آیه ۲۶۲.

۲. آل عمران، آیه ۹۲.

۳. معارج، آیه ۲۴ و ۲۵.

۴. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۷۵۱۶.

۵. همان، ح ۳۳۹۲.

۶. همان، ح ۹۹۱۲.

۷. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸.

- معنای تقوا، تقوای ستیز و تقوای پرهیز؛
 - اوصاف متقین در قرآن و حدیث (خطبه متقین در نهج البلاغه)؛
 - الگوهای تقوا، الگوی برتر حضرت علی علیه السلام که امام‌المتقین است؛
 - پاداش‌های اخروی خداوند برای اهل تقوا؛
 - تقوا، جهاد اکبر، مبارزه با تمایلات نفسانی، اطاعت خدا؛ نه شیطان؛
- آیات:

۱. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَأْتِكُمْ»^۱
۲. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ.»^۲
۳. «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.»^۳

روایات:

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ.»^۴
۲. امام باقر علیه السلام: «إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلْمَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقَ الْحَدِيثِ وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ وَالْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ وَقِلَّةَ الْفَخْرِ وَالْبُخْلِ وَصِلَّةَ الْأَرْحَامِ وَرَحْمَةَ الضُّعَفَاءِ وَقِلَّةَ الْمُؤَاتَاةِ لِلنِّسَاءِ وَبَدَلَ الْمُعْرُوفِ وَحُسْنَ الْخُلُقِ وَسَعَةَ الْحِلْمِ وَاتِّبَاعَ الْعِلْمِ فِيمَا يَقْرَبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.»^۵
۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «إِعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتَقَى النَّاسِ.»^۶

۲۶. حُسن خلق

- خوش اخلاقی، عامل ارتباط شایسته بین انسان‌ها، سبب محبوبیت و جذب، فضیلت اخلاقی ارزشمند، ویژگی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و عامل موفقیت او در دعوت مردم به اسلام است.
- محورهای این بحث، عبارت است از:
- فضیلت حُسن خلق در آیات و روایات؛

۱. حجرات، آیه ۱۳.
۲. طلاق، آیه ۲ و ۳.
۳. بقره، آیه ۱۹۴.
۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۸۵.
۵. شیخ صدوق، خصال، ص ۴۸۳.
۶. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۹۶.

- نقش جاذبه‌آفرینی حُسن خلق در میان مردم؛
- معنا و مفهوم حُسن خلق و مصداق‌های آن، از قبیل: خوش‌رویی، تواضع، عفو، حلم، مدارا و
تحمل، گفتار شیرین و نرم، صبوری، سپاس و تشکر، ادب در گفتار.
آیات:

۱. «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ.»^۱

۲. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّصُوا مِنْ حَوْلِكَ.»^۲

روایات:

۱. پیامبر خدا ﷺ: «إِنَّ الرَّجُلَ يُدْرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.»^۳

۲. پیامبر خدا ﷺ: «أَشْبَهَكُمْ بِي أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا.»^۴

۳. امام علی عليه السلام: «أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ.»^۵

۴. امام علی عليه السلام: «إِنَّ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ أَنْ تَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَتُعْطِيَ مَنْ حَرَمَكَ وَتَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَكَ.»^۶

مردان روزگار به اخلاق زنده‌اند قومی که گشت فاقد اخلاق، مردنی است

۲۷. حفظ آبرو

آبروی مؤمن، محترم است و تعرض به آن، موجب حق‌الناس و مؤاخذة الهی است. تهمت و
غیبت و افشای اسرار دیگران، از آن جهت حرام است که آبروی مسلمان را می‌برد. آبروی
ریخته، دیگر جمع نمی‌شود.

محورهای این بحث، از قرار ذیل است:

- لزوم حفظ اسرار دیگران و حرمت هتک مؤمن؛

- آبرو در طول یک عمر جمع می‌شود و با یک خطا و تهمت از بین می‌رود؛

۱. قلم، آیه ۴.

۲. آل‌عمران، آیه ۱۵۹.

۳. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ح ۵۰۱۲.

۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۹۶.

۵. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۲۵۶۸.

۶. همان، ح ۳۵۴۳.

- آبروی دیگران، حقّ الناس است و حفظ آن، واجب است؛
- خدا با آنکه همه چیز را می‌داند، آبروها را نمی‌برد (لزوم تبعیت از سنتّ خدایی)؛
- هرکس موظّف است، آبروی خودش را حفظ کند.

آیات:

۱. «وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا.»^۱

۲. «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ.»^۲

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «اسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ.»^۳

۲. امام علی علیه السلام: «مَنْ تَتَبَعَ عَوْرَاتِ النَّاسِ كَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ.»^۴

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ كَفَّ نَفْسَهُ عَنِ أَعْرَاضِ النَّاسِ أَقَالَ اللَّهُ نَفْسَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»^۵

۴. در دعای کمیل آمده است: «وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي.»^۶

گفتن هر سخنی در هر جا نبود شایسته مردان خدا
هر سخن جا و مقامی دارد مرد حق، حفظ کلامی دارد

۲۸. مشورت

مشورت، استفاده از افکار دیگران و نظرات اهل علم و اهل تجربه است و موجب کاهش خطا در تصمیم‌گیری و رسیدن به نظر و انتخاب درست و پخته‌تر است. مشاوره، نه تنها ضعف نیست، بلکه دلیل کمال عقل و احترام به فهم دیگران و رهایی از استبداد به رأی و خودمحوری است. محورهای بحث مشورت، عبارت‌اند از:
- مشورت و بهره‌گیری از افکار و تجارب دیگران؛

۱. حجرات، آیه ۱۲.

۲. نساء، آیه ۱۴۸.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۳۳۵۴.

۴. همان، ح ۸۷۹۶.

۵. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۵.

۶. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

- اهمیت مشورت در کارهای مهم، مثل: ازدواج، انتخاب شغل، خریدن خانه و ماشین، دوستی با افراد؛

- ضررهای خودرأیی و ترک مشورت؛

- صفات مشاور خوب و شایسته مشورت؛

- نقش مشاوران در قوت و صحت تصمیم‌های مدیران و مسئولان اجرایی.

آیات:

۱. «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ.»^۱

۲. «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ.»^۲

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «شَاوِرْ قَبْلَ أَنْ تَعْرِمَ وَفَكِّرْ قَبْلَ أَنْ تُقْدِمَ.»^۳

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَا مِنْ رَجُلٍ يُشَاوِرُ أَحَدًا إِلَّا هَدِيَ إِلَى الرُّشْدِ.»^۴

۳. امام علی علیه السلام: «حَيْرٌ مَنْ شَاوَرْتَ دَوُو النَّهْيِ وَالْعِلْمِ وَأَوْلُو التَّجَارِبِ وَالْحَزْمِ.»^۵

۴. امام علی علیه السلام: «شَاوِرْ فِي أُمُورِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ تَرْتُدُّ.»^۶

۲۹. اسراف

اسراف، به معنای زیاده‌روی در استفاده از یک نعمت، هدر دادن امکانات، خرج‌های بیهوده و غیرلازم است. نقطه مقابل آن، قناعت و اندازه‌گیری در مصرف است. خداوند اسرافکاران را دوست ندارد و اسراف موجب پیدایش کمبود و فقر می‌گردد.

درباره اسراف می‌توان این بحث‌ها را مطرح نمود:

- اسراف در خوراک، پوشاک، آب، برق، گاز و انرژی؛

- مرز میان اسراف و سخاوت و دست‌ودل‌بازی؛

۱. شوری، آیه ۳۸.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۹.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۵۷۵۴.

۴. ابن شعبه حزان، تحف العقول، ص ۲۳۳.

۵. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۴۹۹۰.

۶. همان، ح ۵۷۵۶.

- اسراف در وقت و عمر و هدر دادن فرصت‌های ارزشمند؛
- کوچک‌نشمردن اسراف‌های کوچک، مثل قطرات آب و هزینه‌های اندک؛
- پرهیز از اسراف و هزینه‌کردن در رفع محرومیت‌ها؛
- اسراف و تبذیر و تفاوت آنها.

آیات:

۱. «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.»^۱
۲. «أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ.»^۲
۳. «وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ.»^۳

روایات:

۱. امام صادق علیه السلام: «لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَيَبْسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَيَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ.»^۴
۲. امام علی علیه السلام: «إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ.»^۵
۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «إِنَّ مِنَ السَّرْفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلَّ مَا اشْتَهَيْتَ.»^۶
۴. امام علی علیه السلام: «الْإِسْرَافُ مَذْمُومٌ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي أَفْعَالِ الْبِرِّ.»^۷

۳۰. وفای به عهد

تعهد اجتماعی و عمل به قول و قرارها و میثاق‌ها، از اخلاق والا و از عوامل جلب اعتماد عمومی و نشانه ایمان است. بدعهدی و بدقولی، از بدترین خصلت‌ها و آفت‌های اجتماعی است که روابط را بر هم می‌زند و سلب اطمینان می‌کند. در مورد این موضوع، این محورها قابل بحث است:

-
۱. اعراف، آیه ۳۱.
 ۲. غافر، آیه ۴۳.
 ۳. اسراء، آیه ۲۶ و ۲۷.
 ۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۰۶.
 ۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.
 ۶. علی متقی هندی، کنز العمال، ح ۷۳۶۶.
 ۷. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۱۹۳۸.

- نقش وفای به عهد در تحکیم روابط و ایجاد اعتماد عمومی؛
- عوارض پیمان شکنی در ایجاد جدالها و اختلافها؛
- موارد لزوم وفا به عهد، مثلاً در: ازدواج، خرید و فروش و اجاره، دوستیها و معاشرتها، وعده به کودکان؛
- وفای به عهد با خدا، پیامبر ﷺ، ائمه علیهم السلام و امام زمان (دعای عهد).

آیات:

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ.»^۱

۲. «وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا.»^۲

روایات:

۱. امام علی علیه السلام: «لَا تَتَّقَنَّ بِعَهْدٍ مَنْ لَا دِينَ لَهُ.»^۳
 ۲. پیامبر خدا ﷺ: «إِذَا وَعَدْتُمُ الصَّبِيَانَ فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ يَرُونَ أَنَّكُمْ الَّذِينَ تَزُقُونَهُمْ.»^۴
 ۳. پیامبر خدا ﷺ: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَبِ إِذَا وَعَدَ.»^۵
 ۴. امام علی علیه السلام: «لَا تَعْتَمِدْ عَلَى مَوَدَّةٍ مَنْ لَا يُوفِي بِعَهْدِهِ.»^۶
- وفا و عهد نکو باشد از پیاموزی
وگرنه هرکه تو بینی ستمگری داند^۷

۱. مائده، آیه ۱.

۲. بقره، آیه ۱۷۷.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۱۰۱۶۳.

۴. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۱.

۵. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۴۹.

۶. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح ۱۰۲۶۰.

۷. حافظ شیرازی.